

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۹۶

موضوع جزئی: آیه ۲۱ - گستره عبادت

مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۳۹

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

محصل مطالبی که درباره آیه بیست و یکم بیان شد این است که در این آیه خداوند متعال خطاب به عموم مردم و اصناف سه گانه که در آیات قبل از آنها نام برده شد می فرماید خدا را عبادت کنید و امید است که نتیجه عبادت شما تقوای الهی باشد، استدلالی هم که در این آیه بر لزوم عبادت ذکر شده هم توضیح داده شد.

گستره عبادت

عمده این است که دامنه و گستره عبادت در چه محدوده‌ای است؟ چون به نظر بدوی عبادت صرفاً مناسک و اعمالی است که در اصطلاح فقهی از آنها به عنوان عبادت یاد می‌شود، یعنی اعمالی که انسان به قصد قربت انجام می‌دهد، مثل نماز و روزه و حج و خمس و زکات و جهاد، اینها عباداتی هستند که در ابواب مختلف فقهی از آنها بحث شده است، در حالی که امر به عبادت در این آیه دامنه آن اوسع از عبادت به معنای خاص است، یعنی عبادت طیف وسیعی از عقاید و اخلاق و رفتار آدمی را در بر می‌گیرد که مجموع آنها نشان دهنده عبودیت و تسلیم بنده در برابر خدا است، یعنی عبادت به این معنا و با این وسعت است که منجر به حصول ملکه تقوا در انسان می‌شود و آنوقت تقوا زمینه سعادت و فلاح و کرامت انسان را فراهم می‌کند، برای اینکه آنچه گفتیم صرفاً یک ادعا نباشد و همراه دلیل و مستند باشد به روایاتی در این رابطه اشاره می‌کنیم تا این دامنه و گستره بیشتر روشن شود.

۱. ساحت عقیده

یکی از ساحت‌های مهم عبادت به اعتقادات انسان مربوط می‌شود، یعنی انسان از نظر عقاید هم باید عابد باشد، ولی اینکه در اعتقادات چگونه می‌تواند عابد باشد، در روایاتی مورد اشاره قرار گرفته است، از جمله در روایتی از امام عسکری (ع) که در ذیل همین آیه وارد شده آمده است، «اعبدوا ربکم ای اَطیعوا ربکم من حیث أمرکم من أن تعتقدوا أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، ولا شبیهه ولا مثل [له] عدل لا یجور، جواد لا ینخل، حلیم لا یعجل، حکیم لا یخطل، وأن محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وآله، وأن آل محمد أفضل آل النبیین، وأن علیا أفضل آل محمد، وأن أصحاب محمد المؤمنین منهم أفضل صحابة المرسلین. [وأن أمة محمد أفضل أمة المرسلین]»^۱

۱. بحار، ج ۶۵، ص ۲۸۶.

امام عسکری (ع) در ذیل همین آیه می‌فرماید: اینکه در آیه امر شده که ربتان را عبادت کنید به این معنا است که به رب خود از آن جهتی که شما را امر کرده است پاسخ دهید، و پاسخ دادن به امر ربّ یک مرحله آن این است «أن تعتقدوا أن لا إله إلا الله» اینکه اعتقاد داشته باشید که الهی جز الله در این عالم نیست، واحد است، شریک و شبیه و مثل ندارد، عادل است.

در همین یک جمله دو اصل مهم اعتقادی را بیان کرده است. یکی اصل توحید و هم ابعاد آن و یکی اصل عدل، اصل رسالت را هم در عبارت بعد از این مورد اشاره قرار داده است و اینکه محمد بنده و رسول خدا می‌باشد و نیز اینکه آل او افضل آل پیامبران، و نیز مسئله امامت، اینکه علی (ع) افضل اهل بیت پیامبر و اصحاب پیامبر است، البته مؤمنین از آنها، افضل اصحاب انبیاء و مرسلین هستند، اصل امامت و اصل نبوت، اصل توحید و اصل عدل را هم در این آیه ذکر کرده است، معاد هم در برخی روایات دیگر آمده است.

پس یک ساحت و شعبه مهم عبادت که در این آیه خداوند تبارک و تعالی ما را امر به آن کرده است، حوزه عقاید است یعنی باید چنین اعتقاداتی داشته باشیم، به توحید باور داشته باشیم، به نبوت خاتم الانبیاء باید ایمان داشته باشیم، امامت امیرالمؤمنین و فضیلت او را بپذیریم، عدالت خداوند را بپذیریم، و معاد را باور داشته باشیم، این یک بخش مهمی از عبادت است که حتما در انسان باید فراهم شود.

۲. ساحت عمل

لذا یک بخشی از عبادت قطعاً مربوط به اتیان به فرائض است، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «لا عِبَادَةَ كَأْدَاءِ الْفَرَائِضِ»^۱. یا در روایت دیگری از امام سجاده (ع) وارد شده است که «من عمل بمفترض الله علیه فهو من اعبد الناس»^۲. لذا یک بخشی از عبادت عمل به فرائض است، یعنی عمل به آن چیزهایی که خداوند تبارک و تعالی به آنها امر کرده است.

۳. ساحت اخلاق

اخلاقیات هم در حوزه عبادت قرار می‌گیرند، آنچه به اخلاقیات و صفات درونی انسان بر می‌گردد فضایل و رذایل اخلاقی است که روایات زیادی در این رابطه وارد شده است اما روح اصلی فضیلت درونی انسان انقطاع از خلق است، این به خلقیات بر می‌گردد، این یک حالت نفسانی است، در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده است که می‌فرماید: «لا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، فَحِينَئِذٍ يَقُولُ: هَذَا خَالِصٌ لِي، فَيَقْبَلُهُ بِكَرَمِهِ»^۳، عبد به عمق عبادت و عبادت اصیل و حقیقی و واقعی دست پیدا نمی‌کند مگر اینکه از خلق قطع امید کند، از همه مخلوقات الهی قطع امید کند، آنوقتی که انسان از همه به جز خدا قطع امید کند آنوقت است که خداوند می‌فرماید: این برای من خالص و پاک شده است و آنوقت است که با کرم و لطف و فضل خودش انسان را قبول می‌کند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰.

۳. بحار، ج ۶۷، ص ۱۱۱.

حال ما تک تک فضیلت‌های اخلاقی را لازم نیست برایش روایت داشته باشیم که اینها عبادت است ولی عمده همین رمز و سر در حالات درونی و خلیات انسان است، اگر انسان به مرحله‌ای برسد که انقطاع از خلق پیدا کند معنایش دور شدن از حرص و طمع و حسد و کینه و اکتفاء به قناعت و صبر و استقامت، انسان به راحتی به این نقطه نمی‌رسد، انقطاع از خلق وقتی برای انسان پیدا می‌شود که انسان آن فضایل را در خود جمع کند و از رذایل دور شود، رذایل اخلاقی عمدتاً ناشی از عدم انقطاع از خلق است، اگر به دنیا دل می‌بندد، اگر به انسانهای دیگر دل می‌بندد، اینها همه برای این است که دلبستگی به غیر خدا پیدا کرده است، روح عبادت قطع دلبستگی به غیر خدا و دلبسته شدن به خداست و لا غیر.

به هر حال عبادت سه ساحت اصلی دارد و تبلور عبادت در هر سه و سطح ممکن است، هم در حوزه عقاید و هم در حوزه عمل و رفتار و هم در حوزه ملکات اخلاقی و حالات درونی، اجمالاً برای هر سه روایتی ذکر کردیم.

عبادت در عرصه‌های دیگر

به علاوه موارد زیادی داریم که به طور خاص در مورد بعضی از صفات و بعضی از امور وارد شده است که اینها را عبادت دانسته‌اند، مثلاً راجع به معرفت و شناخت و تفکر، البته خود این خیلی مهم است، ما روایات زیادی داریم که معرفت و تفکر را از مصادیق مهم عبادت دانسته است، برای همین است که هر کسی معرفت به معنای حقیقی در او بیشتر فراهم شود مقرب تر به خدا می‌شود، منظور از معرفت دانستن چند اصطلاح و واژه و چند قضیه و فرمول نیست، بلکه مقصود معرفت به خداوند، نظام هستی، توحید و آنچه که به انسان کمک می‌کند تا جایگاه خود را در نظام هستی بیابد.

از امام رضا(ع) وارد شده است: «أول عبادة الله معرفته، و أصل معرفته توحیده، و نظام توحیده نفی التشبیه عنه» اول عبادت خدا معرفت اوست اگر معرفت الرب و معرفت النفس حاصل شود خود به خود انسان عابد می‌شود، اگر انسان پروردگار خودش را بشناسد، اگر انسان خودش را بشناسد و نیز اگر جهان را بشناسد، قهراً قدم بزرگی برای حرکت و تقرب به ذات اقدس الهی برداشته است، اگر شما می‌بینید مثلاً یکی از اعمال مهم شب قدر مذاکره علمی است، به خاطر همین است، گفتگو و مذاکره علمی و تلاش علمی برای کسب معرفت بیشتر نسبت به خداوند و نظام هستی و نسبتی که موجودات با خدا دارند، به انسان کمک می‌کند تا به خدا نزدیکتر شود، اگر امر دایر شود بین یک عمل کسالت آور خسته کننده، (البته به شرط اینکه بطور طبیعی نشاط عبادت فراهم باشد)، و بین عملی که در آن تلاش علمی صورت می‌گیرد، قطعاً دومی نسبت به اولی رجحان دارد، هر کدام به جای خود، اما معرفت و تلاش برای فهم نظام هستی و معرفت خداوند باعث قرب انسان به خدا می‌شود، انسان هرچه سعه وجودی پیدا کند مقرب تر می‌شود و لذا در روایت داریم که مراتب افراد در بهشت عمدتاً بر اساس معرفت آنها قرار داده می‌شود، منتهی معرفت واقعی، چون ممکن است کسی علم توحید هم بلد باشد، اما در عین حال خود این علم حجابی بین او و خداوند شود و او را دورتر کند، لذا اگر

کسی واقعاً برای اینکه خدا را بیشتر بشناسد، در کتابها غور کند، مطالعه کند، یک مجهولی را کشف کند، ممکن است این در جایی قابل اندازه گیری نباشد، در روایات و آیات غور کند، در کلام و فقه و حکمت و فلسفه، هر چه بیشتر به دنبال کشف مجهولات باشد و علم او در این زمینه افزون شود، قطعاً مقام و جایگاه بالاتری پیدا می‌کند.

از جمله مواردی که در همین رابطه می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد، تفکر در امر خداوند است، در روایت از امام رضا(ع) وارد شده است «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»، عبادت به کثرت نماز و روزه نیست، عبادت این است و جز این نیست که تفکر در امر خدا است، اینکه در امر خدا تفکر کند و این تفکر منجر به این شود که خضوع او در برابر خدا بیشتر شود و خشیت او را افزون کند و در برابر خداوند تسلیم شود و خدا را هم چیز بداند و خود را هیچ، این بالاترین عبادت است، آن عبادتها همه برای این است که انسان به این درک و معرفت برسد و إلا اگر صوم و صلاة زیاد داشته باشد اما بعد سالها در همان نقطه‌ای که در آغاز راه بوده، ایستاده باشد او را بالا نبرده است.

این اجمالی از روایاتی است که گستره دامنه عبادت را برای ما معلوم می‌کند، در امور دیگر هم کم نیست. اگر فرصت کردید روایاتی که در همین رابطه وارد شده است را ببینید. از کسب روزی حلال گرفته که به عنوان عبادت وارد شده تا تفقه و شاد کردن دل دیگران و رفع هم و غم از برادران مسلمان، کم نیستند اموری که در سرتاسر منظومه روایی ما از آنها به عنوان عبادت یاد شده است.

نتیجه کلی

پس اگر خداوند تبارک و تعالی امر به عبادت می‌کند و می‌فرماید: یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» یعنی دارد انسانها را امر می‌کند به اینکه اعتقاداتشان و اعمالشان و حالات درونی آنها همه عبادت شود، اگر این شد، آنوقت لعلکم تتقون معنا پیدا می‌کند، و إلا اگر شما فرض کنید که کسی عملش، عمل عبادی باشد، نماز و روزه بخواند ولی عمل او باعث انقطاع از خلق نشود، نماز بخواند اما در عین حال در متن زندگی همه هوش و حواس و توجهش به دیگران باشد و امید به دیگران داشته باشد به غیر از خدا، این انسان مطلوبی که خداوند در توقع دارد نیست، یا مثلاً از نظر معرفت پایین باشد، ممکن است انسانی باشد که عمل خالصانه برای خدا انجام می‌دهد اما عمل او سطحی است، معلوم است خلوص شخص با معرفت بیشتر با خلوص شخص با معرفت کمتر خیلی فرق می‌کند. شناخت و معرفت در عمل و محبت و کشش انسان نسبت به خدا تاثیر مستقیم دارد. کسی که مثلاً به امیرالمؤمنین معرفت داشته باشد، محبت او به امیرالمؤمنین بیشتر از کسی است که معرفتش کمتر است، معرفت یاران امیرالمؤمنین مثل کمیل بن زیاد نسبت به امیرالمؤمنین آنها را شیدای امیرالمؤمنین می‌کند و باعث می‌شود در زندگی پا جای پای او بگذارند و مثل او زندگی کنند، اما بنده و شما که در سطح پایینتری از معرفت نسبت به امیرالمؤمنین و عظمت آن

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰.

شخصیت هستیم، طبیعتاً ادعای اطاعت هم می‌کنیم، و می‌گوییم اطاعت شما بر ما فرض است، اما در مقام عمل اینگونه نیست، قطعاً معرفت و تفکر در نتیجه عبادت ما تاثیر دارد، پس عبادت یک معنای وسیعی دارد و ما باید سعی کنیم عابد به همین معنای جامع شویم، عبادت فقط به عمل نیست بلکه در اعتقاد و اخلاقیات و معرفت و رفتار باید بروز کند.

«والحمد لله رب العالمین»